

# اهداف و انگیزه‌های روسیه از ورود فعال به بحران سوریه

کد موضوعی: ۲۶۰  
شماره مسلسل: ۱۳۲۸۷

آبان‌ماه ۱۳۹۲

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	مقدمه
۴	انگیزه‌های بازگشت‌گرایانه
۹	انگیزه‌ها و اهداف امنیتی
۱۲	انگیزه‌های اقتصادی
۱۴	پیامدهای بحران سوریه بر روابط روسیه با کشورهای دیگر
۲۲	نتیجه‌گیری
۲۵	پی‌نوشت‌ها



## اهداف و انگیزه‌های روسیه از ورود فعال به بحران سوریه

### چکیده

مخالفت قاطع روسیه با مداخله نظامی آمریکا در سوریه و ارائه راه‌حل دیپلماتیک برای حل این بحران، این سؤال را در ذهن بسیاری از تحلیلگران بین‌المللی پدید آورد که اهداف، انگیزه‌ها و منافع روسیه از ورود مقتدرانه در این بحران چیست و این ورود چه پیامدهایی به همراه خواهد داشت؟ این گزارش تلاش می‌کند در قالب چهار دسته اهداف و انگیزه‌های بازگشت‌گرایانه، سیاسی، امنیتی و اقتصادی، به چرایی و چگونگی تحقق سیاست روسیه در قبال بحران سوریه و در قالب روابط این کشور با آمریکا، رژیم صهیونیستی، اروپا و ایران پرداخته و پیامدهای این سیاست را مورد بررسی قرار دهد. ادعای اصلی نگارنده این است که موفقیت نسبی رهبران روسیه در اتخاذ این سیاست، مرهون سازواری مفهومی اهداف چهارگانه یاد شده در بستر اصول معنابخش سیاست‌ورزی داخلی و خارجی روسیه است و اثرات مهمی بر موضوعات بین‌المللی خواهد داشت.

## مقدمه

اگرچه بحران سوریه برای مردم و دولت‌های منطقه، بحرانی دردناک، مخرب و پرهزینه بود، اما زمینه ارتقای جایگاه بین‌المللی روسیه را فراهم کرد. این بحران که در اواخر سال ۱۳۸۹ (مارس ۲۰۱۱) شروع شد، تاکنون بیش از یکصد هزار کشته، دو میلیون آواره و چهار میلیون بی‌خانمان برجای گذاشته است.<sup>۱</sup> نقطه عطف این بحران، حمله شیمیایی به منطقه «غوطه» در حومه دمشق در ۲۱ اوت ۲۰۱۳ بود که بنابر گزارش‌ها منجر به مرگ ۱۴۲۹ نفر از جمله ۴۲۶ کودک شد. با توجه به اینکه آمریکا استفاده از سلاح شیمیایی در سوریه را خط قرمز خود اعلام کرده بود، هر لحظه امکان وقوع جنگی دیگر در خاورمیانه وجود داشت، اما آرایش دیپلماتیک روسیه، مانع از وقوع جنگ شد و آرایش نظامی آمریکا را به هم ریخت.

توافق سرگیی لاوروف و جان کری وزرای خارجه روسیه و آمریکا در شهر ژنو در ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۳ درباره طرح نظارت بین‌المللی بر تسلیحات شیمیایی سوریه، اوج نقش‌آفرینی مسکو برای حل مسالمت‌آمیز چالش‌های بین‌المللی و خنثی‌سازی اقدامات جنگ‌طلبانه آمریکا در منطقه خاورمیانه و مدیترانه شرقی بود. براساس این طرح ۶ مرحله‌ای به دولت سوریه یک هفته (تا ۲۱ سپتامبر) مهلت داده شد تا فهرست جامعی از سلاح‌های شیمیایی خود و مکان‌های نگهداری آنها را ارائه کند. در این طرح پیش‌بینی شده بود که بازرسان بین‌المللی تا پایان نوامبر، در سوریه حضور داشته باشند و برآوردهای اولیه برای شناسایی و کنترل سلاح‌های شیمیایی

۱. منبع این آمار قطعنامه ۲۱۱۸ (۲۷ سپتامبر ۲۰۱۳) شورای امنیت درباره سوریه است.



سوریه را انجام دهند و تا اواسط سال ۲۰۱۴ نیز کلیه سلاح‌های شیمیایی از سوریه خارج یا امحا شوند. در تازه‌ترین تحول، توافق روسیه و آمریکا بر سر پیش‌نویس قطعنامه شورای امنیت در ۲۶ سپتامبر و متعاقب آن، تصویب قطعنامه ۲۱۱۸ شورای امنیت درباره سوریه در ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۳ با اجماع نظر همه اعضای شورای امنیت، پیروزی دیپلماتیک دیگری برای روسیه تلقی می‌شود. این قطعنامه که دولت سوریه نیز از آن استقبال کرده خواستار «امحای سریع برنامه سلاح‌های شیمیایی جمهوری عربی سوریه» و خودداری «همه طرف‌ها» از کاربرد، توسعه، تولید، کسب، نگهداری و انتقال سلاح‌های شیمیایی است. آمریکا، بریتانیا و فرانسه در پیش‌نویس‌های قبلی که روسیه با آنها مخالفت کرده بود تلاش می‌کردند با مراجعه به فصل هفتم منشور ملل متحد، زمینه را برای توسل به زور بر ضد سوریه فراهم کنند.

سؤال این نوشتار این است که چرا روسیه برخلاف موارد قابل مقایسه قبلی مانند بحران عراق (۲۰۰۳) و لیبی (۲۰۱۱)، از تمام مؤلفه‌های قدرت نرم و سخت خود برای نگاه‌داشتن بحران سوریه در «نقطه قابل کنترل» و هدایت آن در مسیر حل مسالمت‌آمیز بحران استفاده کرد؟ چرا روسیه علیرغم چالش‌های داخلی و خارجی، به چنین سرمایه‌گذاری دیپلماتیک خطرپذیری روی سوریه مبادرت ورزید و رودرروی آمریکا قرار گرفت؟ چرا روسیه که بنا به ماهیت نظام سیاسی و اهداف سیاست خارجی خود و با توجه به روابط حسنه‌اش با رژیم صهیونیستی و نداشتن «تمایل استراتژیک» به تقویت محور مقاومت در مقابل این رژیم، حاضر است منافع متعارف خود در کشورهای گروه ۲۰ - که متشکل از دولت‌های ثروتمند و صنعتی جهان است - را تحت‌الشعاع قرار دهد و به سیاست حمایت از دولت بشار اسد وفادار بماند. این

نوشتار درصدد است چرایی نقش‌آفرینی فعالانه روسیه و اهداف و انگیزه‌های این کشور را در بحران سوریه در قالب چهار دسته عوامل بازگشت‌گرایانه،<sup>۱</sup> سیاسی، امنیتی و اقتصادی تبیین کند. نتیجه‌گیری این نوشتار این است که سیاست روسیه در قبال بحران سوریه، نمونه‌گویی از الگوی مطلوب سیاست‌ورزی داخلی و خارجی نزد هیئت حاکمه کنونی روسیه و محصول ارزیابی استراتژیک آنها از روندهای آینده است. صراحت‌گفتاری، قاطعیت عملی و در نتیجه موفقیت نسبی رهبران روسیه در اتخاذ این سیاست، مرهون سازواری مفهومی آن با معنای سیاست‌ورزی داخلی و خارجی این کشور است.

### انگیزه‌های بازگشت‌گرایانه

یکی از محرک‌های اصلی سیاست خارجی روسیه، ایده‌های تمدنی است. برخی محققان تلاش کرده‌اند سیاست خارجی پوتین را در قالب ایده «اوراسیاگرایی» به معنای توازن در روابط با غرب و شرق تبیین کنند.<sup>(۱)</sup> بر این اساس، پوتین به دنبال احیای قدرت روسیه در مناسبات جهانی به‌مثابه یک «قدرت بزرگ مدرن هنجارمند»<sup>۲</sup> است. سه اصل مورد تأکید وی در روابط خارجی یعنی نوسازی اقتصادی، دستیابی به جایگاهی شایسته در فرآیند رقابت جهانی و بازیابی موقعیت روسیه در عرصه بین‌الملل<sup>(۲)</sup> نشانگر این است که اهداف سیاست خارجی این کشور در نسبت مفهومی

1. Nostalgic

2. Normalized Modern Great Power



با کهن‌الگوهای سیاست خارجی شوروی و براساس ذهنیت جنگ سردی رهبران روسیه تنظیم شده است.

این میل بازگشت به شکوه گذشته در میان هیئت حاکمه کنونی روسیه آنقدر عمیق است که اولگ زیباروف<sup>۱</sup> آن را «قدرت بزرگ‌گرایی»<sup>۲</sup> می‌نامد. شاخص‌های این میل به بازگشت را می‌توان در مواردی از جمله تلاش برای تبدیل شدن به «ابرقدرت انرژی»، نوسازی گسترده نظامی، مخالفت قاطع با استقرار سپرموشکی آمریکا در جمهوری چک و لهستان، تعلیق پیمان سلاح‌های متعارف در اروپا، استقرار سیستم جدید دفاع ضد موشکی در سن‌پترزبورگ، اعلام غیرمنتظره سمت‌گیری مجدد موشک‌های هسته‌ای به سوی اروپا، اعلام از سرگیری برنامه گشت‌زنی هواپیماهای دور پرواز هسته‌ای و رژه جت‌های جنگی و هشت هزار سرباز در میدان سرخ مسکو - برای اولین بار پس از فروپاشی شوروی - در اسفند ۱۳۸۷ (مارس ۲۰۰۸) مشاهده کرد،<sup>(۳)</sup> اما باید به‌خاطر داشت که سوریه در دهه ۱۹۷۰ تنها متحد شوروی در خاورمیانه به‌شمار می‌رفت و حفظ این روابط دوستانه می‌تواند یکی از ابزارهای چانه‌زنی در روابط با قدرت‌های بزرگ دیگر باشد.

بحران سوریه نمونه‌گویی از بازیگری قدرتمندانه روسیه در عرصه بین‌المللی و آزمونی برای کارآمدی ایده‌های پوتین برای احیای جایگاه روسیه در جهان است. حمایت قاطع مسکو از سوریه به‌عنوان یکی از متحدان قدیمی بازمانده از زمان شوروی و توافقات دوجانبه روسیه و آمریکا در حل بحران این کشور، در نگاه بسیاری از

---

1. Oleg Ziborov

2. Great powerism

تحلیلگران، یادآور دوران توازن قوا بین دو ابرقدرت آمریکا و شوروی است. برای نمونه چهار دلیلی که «ماکس فیشر» برای موضع‌گیری روسیه در قبال سوریه برمی‌شمارد عمدتاً مرتبط با ذهنیت جنگ سردی روسیه است: تأسیسات دریایی روسیه در طرطوس که آخرین پایگاه نظامی خارجی روسیه در بیرون از گستره سرزمینی شوروی سابق است، احساس ناامنی ملی روسیه و تلاش برای از دست دادن آخرین متحدان نظامی خود، مخالفت با دخالت خارجی به‌عنوان شیوه امپریالیسم غربی در جنگ سرد که نهایتاً روسیه را تهدید می‌کند و خریدهای نظامی سوریه از روسیه و همچنین نیاز این کشور به پول.<sup>(۴)</sup> بنابراین می‌توان گفت که اگرچه مسکو موقعیت مادی ابرقدرتی را از دست داده است، اما در ادبیات سیاست خارجی روسیه، خواست پنهان برای بازیابی موقعیت معنایی آن در عرصه دیپلماتیک، به ایده «قدرت بزرگ مدرن هنجارمند» ترجمه شده است و موضع‌گیری روسیه در قبال بحران سوریه، شاخصی از رفتار یک ابرقدرت زخم‌خورده در لباس یک قدرت بزرگ به پا خاسته است. در ادامه نشان داده می‌شود که این قدرت بزرگ علاقه دارد در معادلات سیاسی بین‌المللی و منطقه‌ای نقش یک شریک برابر با دیگران را بازی کند.

### انگیزه‌های سیاسی

روسیه سه نگرانی سیاسی عمده درباره رفتار غرب در خاورمیانه دارد: جلوگیری از تکرار فریب‌کاری‌های غرب در لیبی، جلوگیری از دخالت‌های آتی آمریکا در امور داخلی کشورها و ممانعت از برقراری نظم منطقه‌ای مورد نظر غرب در خاورمیانه.





روسیه احساس می‌کند که در مورد لیبی، فریب غرب را خورده و از این طریق به قطعنامه ۱۹۷۳ در مارس ۲۰۱۱ رأی مثبت داده است. حال آنکه کشورهای غربی با سوءاستفاده از عبارت «اقدامات بیشتر»<sup>۱</sup> در این قطعنامه، مجوز حمله به لیبی را اخذ کرده‌اند.<sup>(۵)</sup> پوتین که در آن زمان مشغول مبارزه انتخاباتی بود این قطعنامه را «فراخوان قرون وسطایی به جنگ صلیبی»<sup>۲</sup> نامید.<sup>(۶)</sup> بنابراین هیئت حاکمه روسیه، موضوع لیبی را نه تنها یک فریبکاری بزرگ غرب بلکه یک ناکامی استراتژیک برای خود می‌داند و فهم خود از بحران کنونی سوریه را به قیاس همین تجربه ناکام تاریخی می‌سنجد. برای نمونه، اخیراً سرگی لاوروف وزیر خارجه روسیه تلاش برای تکرار تجربه لیبی در کشورهای دیگر را «بسیار خطرناک» نامید.<sup>(۷)</sup>

درک رهبران روسیه این است که آمریکا با توجیه اقدامات مداخله‌جویانه و جنگ‌طلبانه خود در کشورهای دیگر به خصوص کشورهای که در «خارج نزدیک» روسیه قرار دارند با توسل به تفاسیر خاصی از حقوق بین‌الملل، درصدد است اهداف و منافع استراتژیک خود را در رقابت‌های بین‌المللی دنبال کند. بنابراین روسیه اگرچه با استفاده از نیروی نظامی برای اهداف بشردوستانه موافقت مشروط دارد،<sup>(۸)</sup> اما شدیداً مخالف استفاده از نیروی نظامی برای تغییر رژیم‌های سیاسی در کشورهای دیگر و تحمیل ارزش‌های سیاسی لیبرال از خارج است و از نظم قانونی<sup>۳</sup> در درون کشورها حمایت می‌کند.<sup>(۹)</sup> برداشت کلاسیک روسیه از حقوق بین‌الملل ناظر بر این است که همه اعضای سازمان ملل تحت حمایت حقوق بین‌الملل هستند و حاکمیت سرزمینی آنها باید

---

1. Further Measures

2. Medieval Call to Crusade

3. Constitutional Order

مورد احترام سایر کشورها باشد. هیچ کشوری نمی‌تواند با توسل به بهانه‌های سیاسی، حاکمیت ملی اعضای ملل متحد را نقض کند و برای مردم آنها تصمیم بگیرد. برخی صاحب‌نظران معتقدند پوتین با موضع‌گیری خود در قبال سوریه می‌خواهد نشان دهد که هیچ کسی در جهان حتی سازمان ملل نمی‌تواند در مورد اینکه چه کسی بر چه کشوری حکومت کند تصمیم بگیرد. پوتین احساس می‌کند غرب در عراق، لیبی و سوریه می‌خواهد حکومتی را که دوست ندارد سرنگون کند و ممکن است روزی ثوبت به روسیه هم برسد.<sup>(۱۰)</sup> براساس منشور ملل متحد، مراجع تصمیم‌گیر جهانی مانند شورای امنیت، تنها نهادهایی هستند که می‌توانند موارد نقض یا تجاوز به صلح و امنیت بین‌المللی را تشخیص داده و به اقدامات مقتضی برای برقراری صلح و امنیت بین‌المللی دست بزنند. چراکه اگر دخالت نظامی در کشورهای دیگر با هدف تغییر رژیم‌های سیاسی به رویه تبدیل شود چیزی از جامعه بین‌المللی باقی نخواهد ماند و هیچ دولتی در امنیت به سر نخواهد برد. از نظر روسیه، دولت بشار اسد مرجع اقتدار سیاسی مشروع در داخل سوریه است و حاکمیت ملی آن نباید مورد خدشه قرار بگیرد.

رهبران کرم‌لین نه تنها ادعای استفاده از سلاح‌های شیمیایی توسط دولت سوریه را بهانه‌ای دروغین برای حمله به سوریه می‌دانند، بلکه هدف واقعی آمریکا و کشورهای غربی دیگر را تلاش برای طراحی نظم منطقه‌ای جدید در خاورمیانه و شمال آفریقا ارزیابی می‌کنند. برای نمونه لاوروف هدف اصلی سیاست غرب در سوریه را محروم کردن ایران از یک متحد نزدیک یعنی سوریه می‌داند.<sup>(۱۱)</sup>



## انگیزه‌ها و اهداف امنیتی

اهداف امنیتی روسیه در بحران سوریه را می‌توان به اهداف امنیتی نرم و سخت تقسیم کرد. عمده‌ترین اهداف امنیتی نرم ناظر بر نگرانی‌های هویتی و فرهنگی روسیه از قدرت‌گیری اسلام‌گرایان تندرو در خاورمیانه و امکان سرایت این موج به داخل مناطق مسلمان‌نشین جنوب روسیه است. این ادراک از تحولات خاورمیانه، در گفته‌های رهبران روسیه نسبت به بیداری اسلامی یا بهار عربی بیش از پیش آشکار است. لاوروف سخن گفتن از بهار عربی و دمکراسی در این کشورها را یک «حرف بچه‌گانه»<sup>۱</sup> می‌نامد.<sup>(۱۲)</sup> «ایگور سچین» معاون سابق نخست‌وزیر روسیه بهار عربی را «جدیدترین شکل تغییر رژیم به رهبری و با تحریک غرب» می‌داند.<sup>(۱۳)</sup> روسیه گسترش شبکه‌های اسلام‌گرای فراملیتی را در تضاد با منافع ملی خود تعریف می‌کند تا جایی‌که روسیه گروه اخوان المسلمین را به‌خاطر حمایت از مسلمانان چچن از سال ۲۰۰۳ در لیست سازمان‌های تروریستی خود قرار داده است.<sup>(۱۴)</sup>

«سرگی اوائف» رئیس دفتر پوتین معتقد است دخالت نظامی آمریکا در سوریه صرفاً به معنای کمک به پیروزی شبه‌نظامیان وابسته به القاعده است.<sup>(۱۵)</sup> از نظر «ریچارد ویتز» اقدامات تروریستی گروه‌های تندرو اسلامی، تهدید امنیتی مشترک آمریکا و روسیه و چین است.<sup>(۱۶)</sup> نگرانی روسیه از امکان پیوند گروه‌های اسلام‌گرای فعال در مناطق پرتنش در قفقاز شمالی و چچن و داغستان با اسلام‌گرایان خاورمیانه چندان هم بی‌دلیل نیست. گزارش روزنامه‌های نیویورک تایمز و گاردین در ماه

آگوست ۲۰۱۳ نشان می‌دهد که ارتباطاتی بین گروه‌های تندرو اسلامی در سوریه و جنگجویان چچنی وجود دارد. برخی از آنها در «جیش مهاجرین» و «انصار» در داخل سوریه فعالیت می‌کنند و به دنبال برقراری شریعت اسلامی در سرزمین‌های اسلامی هستند.<sup>(۱۷)</sup> کما اینکه «سیموس مارتین» از حضور متقابل اسلام‌گرایان تندروی خاورمیانه مانند ابن خطاب عربستانی در جنگ‌های چچن سخن می‌گوید و ترس از قدرت‌گیری و تحریک مسلمانان تندرو در سرزمین‌های جنوبی‌اش را مهمترین انگیزه روسیه از دخالت در سوریه می‌داند.<sup>(۱۸)</sup>

البته پیوندهای مذهبی و هویتی تنها به جامعه مسلمانان و به زمان‌های اخیر منحصر نمی‌شود. روسیه همواره نگران وضعیت اقلیت‌های مسیحی در کشورهای دیگر به خصوص خاورمیانه است تا جایی که «پاتریک کریل» رهبر کلیسای ارتدوکس روسیه و متحد سیاسی پوتین در سال ۲۰۱۱ از سوریه، اسرائیل، سرزمین‌های فلسطینی و اردن دیدار کرد. فراتر از این، در قرن ۱۹ میلادی حدود ۲۰۰ هزار نفر از مردم اهل سیرکاسیا که یکی از مناطق قفقاز شمالی و ساحل جنوب شرقی دریای سیاه است به سوریه و بقیه مناطق خاورمیانه مهاجرت کردند. این موضوع می‌تواند بر علاقمندی روسیه در پیگیری مسائل این منطقه تأثیر بگذارد.<sup>(۱۹)</sup>

اما اهداف امنیتی سخت روسیه را باید در حضور نظامی در بندر طرطوس جستجو کرد. این بندر در سواحل شرقی سوریه به‌عنوان دومین شهر بندری سوریه، آخرین پایگاه دریایی بازمانده از زمان شوروی در خارج از محدوده جغرافیایی شوروی است که بیش از ۵۰ پرسنل نظامی و ۶۰۰ کارشناس متخصص روسی را در



خود جای داده است.<sup>(۲۰)</sup> این پایگاه دریایی کوچک که براساس قراردادی در سال ۱۹۷۱ در اختیار روسیه قرار دارد از موقعیت استراتژیکی فوق‌العاده‌ای برخوردار است و می‌تواند عملیات‌های نظامی روسیه در خاورمیانه، شمال آفریقا و حتی اروپا را هدایت کند. این بندر از سال ۲۰۰۹ تحت عملیات بازسازی و نوسازی قرار گرفته است و امکان حضور و مانور نظامی برای ناوگان‌های دریایی و نیروی هوایی روسیه در دریای سیاه و مدیترانه در آن فراهم شده است.

روسیه در ژانویه ۲۰۱۳ بزرگ‌ترین مانور نظامی خود از زمان فروپاشی شوروی را در منطقه مدیترانه شرقی انجام داد.<sup>(۲۱)</sup> براساس بیانیه وزارت دفاع روسیه در این مانور نظامی، ناوها و کشتی‌های نظامی ناوگان دریای سیاه، ناوگان دریای بالتیک و ناوگان دریای شمال روسیه، شامل رزمناو حامل موشک «ماسکوا»، کشتی بزرگ ضدزیردریایی «سیورمورسک»، کشتی‌های اسکورت «اسمتلوی»، «یاروسلاو مودری» و کشتی‌های دومانظوره زمین - هوا (دارای سکوی پرواز) «ساراوات»، آزوف»، کالینینگراد» و «الکساندر شابالین» و همچنین چند کشتی ویژه و لجستیکی، با همراهی نیروی هوایی دوردست روسیه و چهار فرماندهی نیروی هوایی شرکت دارند. اصلی‌ترین هدف از اجرای این مانور نظامی ارزیابی میزان آمادگی ارگان‌های هدایت‌کننده وظایف نظامی نیروهای بین‌ناوگانی برای اجرای وظایف محوله در آب‌های دور دریای سیاه و دریای مدیترانه اعلام شده است.<sup>(۲۲)</sup>

پیوندهای نظامی و استراتژیکی روسیه و سوریه تنها محدود به حضور نظامی نیست. آموزش‌های نظامی روسیه به کارشناسان سوری یکی از ابعاد مهم روابط دو کشور را تشکیل می‌دهد. به‌گونه‌ای که تا سال ۲۰۰۶ نزدیک به ۱۰ هزار سوری در

مراکز نظامی شوروی و روسیه آموزش دیدند.<sup>(۲۳)</sup> همین‌طور نزدیک ۳۰ هزار کارشناس روسی در بخش‌های مختلف نظامی و امنیتی سوریه حضور دارند.

### انگیزه‌های اقتصادی

اقتصاد روسیه با درآمد ناخالص ملی حدود ۲ تریلیون دلار<sup>(۲۴)</sup> دو پایه اصلی دارد: از یک‌طرف متکی به فروش تسلیحات و جنگ‌افزارهای نظامی به کشورهای دیگر به‌خصوص کشورهای خاورمیانه ازجمله سوریه است و از طرف دیگر، متکی به درآمد صادرات نفت و گاز به کشورهای دیگر به‌خصوص اروپایی می‌باشد. سوریه یکی از عمده‌ترین دریافت‌کنندگان تسلیحات روسی در جهان است. روسیه از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ نزدیک ۱/۵ میلیارد دلار اسلحه به سوریه فروخته است. ازجمله تجهیزات دریافتی سوریه می‌توان به جنگنده‌های میگ، سیستم‌های دفاع هوایی و موشکی، هواپیماهای یک و زیردریایی اشاره کرد. ارزش قراردادهای تسلیحاتی دو کشور از سال ۲۰۱۱ تاکنون بالغ بر ۴ میلیارد دلار برآورد می‌شود که نزدیک به یک میلیارد آن محقق شده است.<sup>(۲۵)</sup> بجز صادرات، شرکت‌های بزرگ روسی در پروژه‌های زیرساختی سوریه سرمایه‌گذاری کرده‌اند. این سرمایه‌گذاری در سال ۲۰۰۹ به حدود ۱۹ میلیارد دلار رسیده است. ارزش قراردادهای امضا شده و درحال مذاکره با سوریه حدود ۵ میلیارد دلار برآورد می‌شود.<sup>(۲۶)</sup> همچنین شرکت‌های بزرگ گاز و نفت روسیه مانند شرکت‌های تات‌نفت و استروترایزگاز<sup>۱</sup> در صنایع سوریه فعال هستند.

1. Tatneft and Stroitransgaz



یکی دیگر از نگرانی‌های اساسی روسیه درباره سوریه، اکتشافات گازی جدید در حوزه مدیترانه شرقی<sup>۱</sup> با حجم تقریبی ۴۰ تریلیون فوت مکعب و احتمال تضعیف شرکت گازپروم روسی در تأمین گاز اروپاست. شرکت گازپروم روسیه که گفته می‌شود ۴/۵ درصد از سهام آن متعلق به پوتین است تأمین‌کننده اصلی و عمده گاز اروپاست و با اکتشافات گازی جدید در مدیترانه، احتمال اخلاف در استراتژی ابرقدرت شدن روسیه در عرصه انرژی وجود دارد. به همین دلیل، روسیه مایل است با تقویت حضور خود در مدیترانه و سواحل غربی سوریه و حفظ سوریه در مدار قدرت خود، مانع از تسلط کامل کشورهای غربی بر این حوزه غنی گازی و نفتی شود و اهرم انرژی را برای فشار تاکتیکی به کشورهای اروپایی همچنان در اختیار خود داشته باشد.

نکته پایانی درباره اهداف و انگیزه‌های اقتصادی روسیه این است که این کشور می‌تواند مأموریت بین‌المللی خلع سلاح شیمیایی سوریه را برعهده بگیرد و برای کارشناسان حقوقی، نظامی، تسلیحاتی و شیمیایی خود که تجربه‌های فراوانی از دوران شوروی در اختیار دارند مأموریت‌های فرامرزی جدیدی با هزینه سایر کشورها تعریف کند و از این طریق به واحدهای تخصصی خود در امر خلع سلاح جان تازه‌ای ببخشد. اشاره طعنه‌دار لاوروف وزیر خارجه روسیه در کنفرانس خبری با وزیر خارجه آمریکا به اینکه کشورهای فراوانی هستند که حاضرند هزینه فرآیند خلع سلاح سوریه را بپردازند ناظر بر همین نکته است. بنابراین نگرانی روسیه بدین

دلیل است که از دست دادن سوریه به‌عنوان یکی از متحدان نزدیک خود، نه تنها منجر به حذف یکی از بازارهای مهم تسلیحاتی و عرصه‌های بی‌رقیب سرمایه‌گذاری خود می‌شود بلکه تسلط کامل غرب بر ذخایر عظیم تازه کشف‌شده نفت و گاز مدیترانه شرقی می‌تواند معادلات و محاسبات در بازار انرژی اروپا را به ضرر روسیه و شرکت‌های عظیم گازی و نفتی به‌عنوان موتور اصلی اقتصاد فرسوده این کشور تغییر دهد.

### پیامدهای بحران سوریه بر روابط روسیه با کشورهای دیگر

جدا از انگیزه‌ها و اهداف روسیه در بحران سوریه طبعاً باید پرسید که پیامدهای این سیاست در محیط بین‌المللی و به‌خصوص روابط با کشورهای دیگر کدام‌ها هستند. در این بخش در قالب روابط با آمریکا و اسرائیل، اروپا و کشورهای خاورمیانه از جمله ترکیه و ایران به این پیامدها پرداخته می‌شود.

#### روابط با آمریکا

اصولاً روابط روسیه و آمریکا را در قالب دو روایت می‌توان تحلیل کرد: روایتی که به امکان شکل‌گیری جنگ سرد جدید قائل است و منازعه کنونی قدرت بین روسیه و آمریکا را واقعی و جدی می‌داند و روایت دیگری که این امکان را منتفی می‌داند و به لفظی بودن این منازعه نظر دارد. مثلاً «ریچارد ویتز» اگرچه روسیه را مخالف سیاست‌های یک‌جانبه آمریکا در یک جهان تک‌قطبی به رهبری آمریکا می‌داند؛ اما بر





این نظر است که منازعه روسیه با آمریکا بیشتر لفظی است تا واقعی و حدود یک دهه پیش یکی از نشانه‌های این لفظی بودن را ناتوانی از اقدام بر ضد حضور نظامی آمریکا در ازبکستان و قرقیزستان دانسته بود.<sup>(۲۷)</sup> سرگی کیسلیاک سفیر روسیه در آمریکا تأکید می‌کند که روابط دو کشور سرد<sup>۱</sup> است اما جنگ سردی<sup>۲</sup> در کار نیست. او می‌گوید نگران روابط دو کشور است اما هیچ مبنایی برای بازگشت به جنگ سرد وجود ندارد.<sup>(۲۸)</sup>

«ریچارد هاس» رئیس شورای روابط خارجی آمریکا نیز بر این نظر است که احتمال شروع جنگ سرد دیگری بین آمریکا و روسیه وجود ندارد چراکه دو کشور منافع مشترکی از جمله در زمینه مبارزه با تروریسم دارند. اما همکاری بین دو کشور نامتوازن و تناوبی خواهد بود چراکه پوتین از ضدیت با آمریکا برای تثبیت جایگاه سیاسی خود در داخل استفاده خواهد کرد. روسیه تمایلی به کاهش سلاح‌های اتمی خود نخواهد داشت چون این سلاح‌ها یکی از آخرین ابزارهای ادعای ابرقدرتی روسیه است. آینده محتمل آینده‌ای است که در آن روسیه غالباً یک عنصر مخرب و کارخواب‌کن برای آمریکا باقی خواهد ماند و به ایران و سوریه سلاح خواهد فروخت و جلوی اقدامات آمریکا در شورای امنیت را خواهد گرفت. اما پوتین نمی‌خواهد رقابت با آمریکا از دستش خارج شود چراکه روسیه یک قدرت بزرگ نیست که بتواند با آمریکا در ابعاد جهانی رقابت کند. اگرچه روسیه در این رقابت دیپلماتیک یک پیروزی تاکتیکی به دست آورد اما این نافی ناتوانی‌ها و ضعف‌های استراتژیک روسیه

---

1. Cool

2. Cold

و قدرت آمریکا نیست.<sup>(۲۹)</sup>

در همین راستا، برخی از تحلیلگران معتقدند که روسیه نه یک شریک برابر بلکه یک شریک بی‌ارزش<sup>۱</sup> است که در مسیر ضعف قرار دارد و درحال از دست دادن نفوذ خود در جهان است. این عده معتقدند که باید روسیه را در بحران سوریه نادیده بگیریم و جبهه وسیعی را بر ضد آن باز کنیم، از مخالفت با اقتدارگرایی سیاسی داخلی تا جلوگیری از تلاش این کشور برای بازیابی قدرت خود در اوراسیا تا سلطه نامنصفانه‌اش بر بازارهای انرژی اروپا. این فشار هماهنگ اروپا و آمریکا منجر به فشار درونی به دولت و قدرت‌گیری مخالفان درونی می‌شود و از این طریق می‌توان پایان اقتدارگرایی روسی را بعد از فروپاشی شوروی، پیروزی درخشان دیگری برای غرب دانست.<sup>(۳۰)</sup>

در مقابل، دیدگاهی وجود دارد که ضدیت روسیه و آمریکا را جدی می‌داند. برای نمونه «گیرتزمان» بر این نظر است که یک ضدیت واقعی با آمریکا در میان هیئت حاکمه و رسانه‌های روسیه احیا شده است. از این نظر، آمریکا یک قدرت احساسی است که حاضر نیست نقش قدرت‌های بزرگ دیگر را در مسائل مهم بین‌المللی جدی بگیرد. گیرتزمان احتمال توافق روسیه و آمریکا در موضوع کنترل تسلیحات را بسیار ضعیف می‌داند. چراکه روسیه تمایلی به عقب‌نشینی در این زمینه ندارد و از آنجا که برنامه‌های دفاع موشکی آمریکا تا سال‌ها محقق نخواهد شد فشاری هم از جانب آمریکا برای رسیدن به توافق احساس نمی‌کند.



«دیمیتری ترینین» تحلیلگر سرشناس روسی نیز بر این نظر است که به قدرت رسیدن پوتین برای سومین بار در سال ۲۰۱۲ زمینه جدایی بیشتر روسیه از غرب را فراهم کرد. پوتین بر هویت متمایز روسیه نه تنها در سطح دیپلماتیک بلکه در سطح ارزش‌ها تأکید دارد. این گرایش جدید که تحت پشتیبانی موج ملی‌گرایی روسی است یک تغییر اساسی در موضع روسیه در جهان ایجاد کرده است. توصیه ترینین این است که غرب باید منافع مشترک با روسیه را مبنای همکاری با این کشور از جمله در بحران سوریه قرار دهد. آمریکا و روسیه هیچ‌کدام خواستار پیدایش یک حکومت سنی رادیکال پیوندیافته با القاعده در سوریه نیستند. این الگوی روابط منافع‌محور آمریکا و روسیه می‌تواند درباره موضوع اتمی ایران و کره شمالی نیز به‌کار گرفته شود.<sup>(۳۱)</sup>

### روابط با رژیم صهیونیستی

برخلاف ایران که اسرائیل را دشمن اصلی خود در خاورمیانه می‌داند و در راستای جلوگیری از تضعیف جبهه مقاومت از دمشق حمایت می‌کند، سیاست روسیه در قبال سوریه نه از سر دشمنی با اسرائیل بلکه از سر رقابت‌های دیرین با آمریکا است. روسیه روابط تجاری پرسودی با اسرائیل دارد و نوعی سیاست متوازن و محتاطانه را در قبال این رژیم دنبال می‌کند. یکی از نگرانی‌های روسیه این است که همراهی آشکار با ایران در دفاع از سوریه می‌تواند به روابط تجاری با اسرائیل خدشه جدی وارد کند.<sup>(۳۲)</sup> بنابراین روسیه هرگز نمی‌خواهد روابط با این رژیم را ارزان از دست

بدهد و به همین دلیل، نسبت به نگرانی‌های اسرائیل محتاطانه برخورد می‌کند. یکی از مهمترین نگرانی‌های اسرائیل، صدور تسلیحات روسی به سوریه و احتمال تضعیف برتری نظامی این رژیم در مقابل دمشق است. فروش جنگنده‌های میگ ۳۱ و سامانه موشکی سطح به هوای اس ۳۰۰ و احتمال انتقال تکنولوژی آنها به ایران و حزب‌ا... مهمترین نگرانی‌های اسرائیل هستند. رژیم صهیونیستی این سیستم‌ها را برای ثبات منطقه‌ای در کل خاورمیانه مضر می‌داند. براساس گزارش رسانه‌های غربی، هدف حمله هوایی اسرائیل به سوریه در ژانویه ۲۰۱۳ محموله موشک‌های ضدهوایی ساخت روسیه بوده که قرار بوده به دست حزب‌ا... لبنان برسد.<sup>(۳۳)</sup> البته روسیه در واکنش به این نگرانی‌ها ضمن دفاعی دانستن آنها اعلام کرد که قراردادهای فروش میگ ۳۱ به سوریه را معلق کرده است. همچنین روسیه در تابستان ۲۰۱۲ تصمیم گرفت انتقال سیستم موشکی اس ۳۰۰ به سوریه را متوقف کند.<sup>(۳۴)</sup>

## روابط با کشورهای اروپایی

چاره‌جویی هوشمندانه روسیه برای بحران سوریه دو تأثیر وجهه‌جویانه و مادی بر روابط روسیه و اروپا بر جای خواهد گذاشت. اولاً روسیه نشان می‌دهد که اروپاییان از اراده و توان لازم برای تأثیرگذاری بر مناطق پیرامونی خود برخوردار نیستند. اروپاییان که در زمان نه چندان دور سلطه استعماری بر منطقه شامات داشتند،



امروزه حتی قادر نیستند بدون همراهی آمریکا موضع یکپارچه و واحدی در قبال بحران سوریه داشته باشند. پارلمان انگلستان تحت تأثیر تجربه تلخ همراهی با آمریکا در اشغال عراق با دخالت نظامی در سوریه مخالفت کرد و فرانسه نیز که تلاش می‌کرد با حمایت آشکار از گروه‌های مخالف بشار اسد و همراهی با آمریکا در مداخله نظامی، خود را کشوری صاحب‌نفوذ و قدرت در خاورمیانه نشان دهد پس از توافق روسیه و آمریکا بر سر خلع سلاح شیمیایی سوریه در انزوای کامل قرار گرفت. ضمن اینکه روسیه با ابتکار خود توانست برداشت کلاسیک از موازین و هنجارهای بین‌المللی را بیش از پیش جا انداخته و خود را نزد افکار عمومی جهان و به‌خصوص اروپا طرفدار موازین حقوق بین‌الملل جلوه دهد. روسیه با تأکید هدفمند و هوشمندانه بر رعایت هنجارها و موازین حقوق بین‌الملل به مدعیان اروپایی حقوق بین‌الملل به‌خصوص فرانسه درسی داد که برای وجهه این کشورها خسارت‌بار خواهد بود. بنابراین به‌نظر می‌رسد که اروپا نیازمند بازنگری در نگاه کنونی‌اش به روسیه به‌عنوان بزرگ‌ترین همسایه خود یا توجه به همان چیزی است که دیمیتری ترنین «واقعیت‌های در حال تغییر» در روسیه می‌نامد.<sup>(۳۰)</sup>

اما پیامد عینی بحران سوریه بر روابط روسیه و اروپا، تداوم سلطه روسیه بر بازارهای انرژی اروپا به‌عنوان مهمترین نگرانی اروپاست. اگر درستی گزارش‌ها درباره میزان ذخایر گازی و نفتی حوزه مدیترانه شرقی را فرض بگیریم، باید گفت که باقی ماندن سوریه در مدار نفوذ روسیه و در نتیجه تداوم حضور نظامی و اقتصادی در آب‌های مدیترانه، به معنای بر باد رفتن آرزوی خام اروپا برای سلطه بر ذخایر تازه کشف شده مدیترانه شرقی و متنوع‌سازی منابع انرژی خود و کاهش وابستگی

به منابع فسیلی روسیه است. استراتژی اصلی روسیه در برابر اروپا، مبادله مواد خام با تکنولوژی اروپاست<sup>(۳۶)</sup> و سیاست این کشور در قبال سوریه به تحقق این استراتژی کمک خواهد کرد.

## روابط با ایران

کنفرانس ژنو ۲ مهمترین عرصه برای سنجش تأثیرگذاری عملی بحران سوریه بر روابط روسیه با ایران است.<sup>(۳۷)</sup> مقامات روسی علیرغم مخالفت اولیه آمریکا، بارها اعلام کرده‌اند که ایران باید بخشی از راه‌حل بحران سوریه باشد. چراکه ایران از نفوذ فراوانی در هیئت حاکمه سوریه برخوردار است و می‌تواند در انتقال ایده‌ها و ابتکارهای دیپلماتیک به سوریه و چانه‌زنی با آنها مؤثر باشد. کماینکه بنابر اعلام لاوروف وزیر خارجه روسیه، ایران پیشنهاددهنده اصلی طرح خلع سلاح سوریه، بوده است<sup>(۳۸)</sup> و با توجه به گشایش‌های اخیر در روابط ایران و آمریکا احتمال نقش‌آفرینی ایران در کنفرانس ژنو ۲ بیشتر هم خواهد شد.

به‌طور کلی می‌توان گفت که روسیه و ایران در حل مسالمت‌آمیز و کنترل‌شده بحران سوریه دو هدف مشترک عینی جلوگیری از قدرت‌گیری سلفی‌های تندرو در منطقه و هدف معنایی تثبیت برداشت مشترک خود از موازین حقوق بین‌الملل را دنبال می‌کنند. ایران بر این باور است که کشورهای عربی منطقه به‌خصوص عربستان سعودی و قطر با همکاری برخی از کشورهای غربی درصدد شکستن اتحاد دیرین ایران و سوریه و برهم زدن توازن قوا به ضرر ایران هستند. از نظر ایران تلاش‌ها برای ساقط کردن بشار اسد از قدرت با هدف نهایی تضعیف جبهه مقاومت و تقویت



جبهه سازش در منطقه صورت می‌گیرد. طبعاً ایران مایل نیست حکومت‌هایی در کشورهای پیرامونی‌اش به قدرت برسند که به‌جای مقابله با اسرائیل، ایران و شیعیان را دشمن خود بدانند. روسیه نیز همان‌طور که در بخش‌های قبلی آمد، به هیچ وجه مایل نیست شاهد قدرت‌گیری نیروهای تندرو در مناطق مجاور خود با پتانسیل بالای سرایت به مناطق حساس داغستان و چچن باشد. بنابراین، این امکان وجود دارد که روسیه فاصله خود را با کشورهای عربی حامی شورشیان رادیکال مثل عربستان و قطر افزایش دهد و زمینه‌های همکاری بیشتر خود با ایران را فراهم کند.

اما هدف معنایی مشترک ایران و روسیه، مخالفت عملی با ارائه برداشت‌های توجیه‌گرانه از حقوق بین‌الملل و اقدامات مخرب ناشی از آن در سطح بین‌المللی است. طرح خلع سلاح شیمیایی سوریه، هم نگرانی‌های امنیتی از توان شیمیایی دمشق را برطرف می‌کند، هم گامی در جهت گسترش هنجارهای بین‌المللی است و هم مانع از قربانی شدن هنجار صلح و امنیت بین‌المللی می‌شود. روسیه و ایران با ارائه و پیگیری این طرح نشان داده‌اند که مخالف توسل توجیه‌گرانه و گزینشی قدرت‌های بزرگ به قوانین و مقررات بین‌المللی، به بهانه دفاع از جان انسان‌ها هستند و این تحول می‌تواند تأثیرات معنادار بر سیر تحول معنایی قوانین بین‌المللی داشته باشد.

از طرف دیگر هم ایران و هم روسیه از طریق حمایت از دولت سوریه به دنبال اعلام مخالفت صریح با اقدامات یکجانبه غرب به رهبری آمریکا در سطح نظام بین‌الملل از جمله مداخله در امور داخلی کشورهای مستقل هستند. پیگیری این سیاست با رویکرد راهبردی تهران و مسکو مبنی بر مخالفت با یکجانبه‌گرایی و تقویت چندجانبه‌گرایی در جهان انطباق دارد.

## نتیجه‌گیری

در این گزارش تلاش شد پرسش مربوط به چرایی مواضع اخیر روسیه در قبال بحران سوریه و اهداف و انگیزه‌های آشکار و پنهان آن، با مراجعه به چهار دسته عوامل بازگشت‌گرایانه، سیاسی، امنیتی و اقتصادی پاسخ داده شود. ترتیب چینش این عوامل از انتزاعی تا ملموس‌ترین سطح تأثیرگذاری نشان می‌دهد که سیاست خارجی روسیه در قبال سوریه در هماهنگی و سازواری با تمام گرایش‌های معنایی غالب، تعینات ساختاری هدایت‌گر و مقتضیات عینی الزام‌آور در پیکره سیاست خارجی مسکو تنظیم شده است. تمایل استراتژیک پنهان به بازیابی اقتدار تاریخی نه چندان دور در زمان شوروی و ترجمان آن در هدفگذاری‌های سیاست خارجی متوازن پوتین، این الزام‌گریزناپذیر خوشایند را به همراه دارد که سوریه این آخرین متحد به جای مانده از زمان شوروی، در مدار سیاسی روسیه باقی بماند. در نظام معنابخش سیاست خارجی روسیه، مداخلات سیاسی توجیه‌ناپذیر و تهدیدات نظامی رعب‌آور آمریکا در برخورد با کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا به‌عنوان مهمترین منطقه ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی جهان، زمانی که در کنار انقلاب‌های رنگین آمریکامحور در مناطق «خارج نزدیک» روسیه تحلیل می‌شود، نسخه به‌روز شده‌ای از توسعه‌طلبی‌های منفعت‌جویانه آمریکا در جنگ سرد را نمایان می‌کند که با توسل به شعارهای دمکراتیک و بشردوستانه توجیه می‌شود. بنابراین روسیه که می‌خواهد از طریق تعامل فعال با جهان جدید، به منزلت شایسته خود به‌مثابه یک «قدرت بزرگ مدرن هنجارمند» بازگردد، نمی‌تواند شاهد نقض مهمترین هنجار نظام بین‌الملل مدرن





یعنی حق حاکمیت سرزمینی در سوریه با هدف ظاهری نابودسازی سلاح‌های شیمیایی این کشور و هدف واقعی شالوده‌ریزی نظم جدید منطقه‌ای در خاورمیانه و رویه‌سازی اقدامات مداخله‌جویانه نظامی در کشورهای خارج از مدار قدرت هژمون باشد. چراکه پذیرش اجباری یا مخالفت منفعلانه روسیه با دخالت نظامی آمریکا بر ضد یک دولت دارای حاکمیت سرزمینی بدون توجیه قانونی محکم، نه تنها به معنای از دست دادن متحد دیرین در منطقه‌ای پر مناقشه و در نتیجه کاهش قدرت چانه‌زنی روسیه در برابر آمریکا، بلکه به معنای بازشدن راه برای مداخله‌های احتمالی بعدی در مناطق جغرافیایی مورد مناقشه دیگر است. روسیه با مخالفت قاطع خود نشان می‌دهد که نه تنها از منافع و اهداف عینی سیاست خارجی خود در خاورمیانه به سادگی نمی‌گذرد بلکه به کشورهای غربی و به‌خصوص آمریکا اجازه نمی‌دهد از مسائل داخلی کشورها از جمله خود روسیه به‌عنوان دستاویزی برای اعمال فشار بر آنها و احياناً مداخله نظامی استفاده کنند. بدترین سناریوی ممکن برای روسیه این است که این مداخله در نزدیکی مناطق مسلمان‌نشین جنوبی این کشور واقع شود و موازنه قدرت را به نفع گروه‌های اسلام‌گرای تندرو در خاورمیانه تغییر داده و امکان سرایت این مناقشات را به داخل مناطق مستعد داغستان و چچن افزایش دهد. نباید از یاد برد که فعالیت گروه‌های جدایی‌طلب تندرو در مناطق جنوبی روسیه، تهدید امنیتی فوری برای کرملین تلقی می‌شود و به همین دلیل در چارچوب استراتژی مبارزه با تروریسم روسیه با آنها شدیداً مقابله می‌شود.

اگر نسخه نظامی آمریکا برای حل بحران سوریه، از یکسو متحد مسکو را از او بگیرد و ازسوی دیگر تحرک نیروهای نظامی روسیه را در منطقه مدیترانه و دریای

سیاه کاهش دهد، منجر به رویه‌سازی مداخله نظامی در کشورهای غیرهمسو با آمریکا شود، و همزمان نقش روسیه را در ساختاربنندی نظم جدید خاورمیانه کمرنگ کند، در همین حال روسیه را از درآمدهای سرشار تسلیحاتی خود محروم ساخته و منجر به تقویت نیروهای سلفی تندرو در سوریه و در نتیجه امکان سرایت تهدیدات امنیتی به داخل مناطق مسلمان‌نشین جنوبی روسیه شود و بالاخره اینکه امکان بازی با کارت انرژی را از روسیه با توجه به احتمال تسلط کامل غرب بر ذخایر گسترده نفتی و گازی مدیترانه شرقی بگیرد، طبعاً باید در درایت و ذکاوت رهبران کنونی روسیه شک کرد. اگر سیاست قاطع و حساب‌شده مقامات روسیه در قبال بحران سوریه و جلوگیری از وقوع جنگ در این کشور به معنای سازواری در تحقق همزمان اهداف بازگشت‌گرایانه، سیاسی، امنیتی و اقتصادی مسکو در دو عرصه تأمین منافع ملی روسیه در جهان و تثبیت جایگاه کادر رهبری کنونی آن در داخل این کشور خواهد بود.

اما پیامدهای این سیاست را بیش هر چیز می‌توان در روابط روسیه با آمریکا، رژیم صهیونیستی، اروپا و جمهوری اسلامی ایران مشاهده کرد. اتخاذ این سیاست ازسوی روسیه، منجر به درگرفتن مجدد بحث امکان پیدایش جنگ سرد جدید بین روسیه و آمریکا شده است. ماحصل این بحث‌ها این است که اگرچه روسیه توان اقتصادی و نظامی لازم برای هموردی با آمریکا را در شرایط کنونی در اختیار ندارد، اما در دوران پوتین، شاهد ظهور و تقویت موج ملی‌گرایی جدیدی بوده است که نمی‌توان آن را به لفاظی‌های یک قدرت درحال افول فروکاست و از کنار آن به سادگی گذشت. ضمن اینکه راهبرد کلی پوتین برای مدرن‌سازی روسیه، منافی نزاع



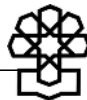
عریان با آمریکا و هدر دادن منابع اقتصادی محدود روسیه در رقابت‌های نظامی با آمریکا است. ضمن اینکه روسیه به دلیل روابط تجاری پرسود با اسرائیل، در باب مسائل حیاتی برای این رژیم، مشی محتاطانه‌ای در پیش گرفته است. یکی از راهبردهای مورد تأکید پوتین، تبدیل شدن به /بر قدرت / انرژی در جهان است و تداوم حضور روسیه در مدیترانه و حوزه گازی و نفتی غنی آن می‌تواند نگرانی‌های اروپا درباره وابستگی به منابع روسیه را افزایش دهد، اما تأثیر سیاست روسیه درباره سوریه بر روابط با ایران را باید بیش از هر جا در کنفرانس احتمالی ژنو ۲ و دو هدف مشترک عینی و معنایی روسیه و ایران یعنی جلوگیری از به قدرت رسیدن نیروهای سنی تندرو در منطقه و تثبیت برداشت کلاسیک خود از موازین حقوق بین‌الملل یعنی احترام به حق حاکمیت سرزمینی کشورها ارزیابی کرد. اگر روسیه و ایران در این کنفرانس نقش محوری خود را به خوبی بازی کنند، وجهه دیپلماتیک خود را بازسازی و سهم بیشتری از قدرت بین‌المللی را نصیب خود خواهند کرد.

### پی‌نوشت‌ها

1. Andrei Tsygankov P. "finding a civilizational idea: 'West', 'Euroasia' and 'Euro- East' in Russia's Foreign Policy". Geopolitics, Vol. 12, No. 3, 2007.
۲. الهه کولایی و علیرضا نوری، عمل‌گرایی پوتین و تغییر رویکردهای سیاست خارجی روسیه، فصلنامه سیاست: مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۲، ۱۳۸۹.
۳. کولایی و نوری، پیشین.
4. Max Fisher, "The four reasons Russia won't give up Syria, no matter what Obama does". The Washington Post. 21/9/2013 available at: [www.washingtonpost.com/blogs/worldviews/wp/2013/09/05/the-four-](http://www.washingtonpost.com/blogs/worldviews/wp/2013/09/05/the-four-)

reasons-russia-wont-give-up-syria-no-matter-what-obama-does/?print=1, 2013.

5. Daniel Treisman, "Why Russia supports Syria's Assad", 2013. Available at: <http://today.ucla.edu/portal/ut/PRN-russia-s-support-for-assad-regime-228392.aspx>. This op-ed was originally published Feb. 2 on CNN.com.
6. Roy Allison, Russia and Syria: Explaining Alignment, With a Regime in Crisis, International Affairs. Vol. 89, No. 4, p. 797, 2013.
7. **Ibid.**, p. 798.
۸. جنگ محدود روسیه با گرجستان در سال ۲۰۰۸ نمونه‌ای از این کاربرد نیروی نظامی برای اهداف بشردوستانه است.
9. **Ibid.**, p. 815.
10. Mikhail Klimentyev (2013) "Why Putin is backing Assad's blood-soaked Syrian regime". Available at: [http://worldnews.nbcnews.com/\\_news/2013/09/12/20448911-analysis-why-putin-is-backing-assads-blood-soaked-syrian-regime?lite](http://worldnews.nbcnews.com/_news/2013/09/12/20448911-analysis-why-putin-is-backing-assads-blood-soaked-syrian-regime?lite).
11. **Ibid.**, p. 808.
12. Dmitri Trenin, "The Mythical Alliance Russia's Syria Policy". The Carnegie Papers. Carnegie Moscow Center, 2013, p. 10.
13. **Ibid.**, p. 12.
14. Allison, op., cit. pp. 809-810.
15. [www.reuters.com/assets/print?aid=USBRE98K04Z20130921](http://www.reuters.com/assets/print?aid=USBRE98K04Z20130921).
16. Richard Weitz, "Why Russia and China Have not Formed an Anti-American Alliance". Naval War College Review, Autumn, Vol. LVI, No. 4, 2003.
17. Cited in Bob Dreyfuss (2013) "Russia's Stake in Syria's War". Available at: <http://www.thenation.com/blog/175621/russias-stake-syrias-war#>.
18. Seamus Martin, "Question: Why is Russia digging its heels in on Syria?", 2013. Available at: [www.irishtimes.com/news/world/europe/question-why-is-russia-digging-its-heels-in-on-syria-1.1519036?mode=print&ot=example.AjaxPageLayout.ot](http://www.irishtimes.com/news/world/europe/question-why-is-russia-digging-its-heels-in-on-syria-1.1519036?mode=print&ot=example.AjaxPageLayout.ot).
19. Trenin, op., cit. p. 13.
20. Treizman, op., cit.
21. Trenin, op., cit. p. 12.



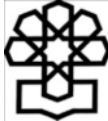
۲۲. به نقل از خبرگزاری فارس:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13911101000492>

23. Allison, op., cit. p. 802.
  24. Mark Adomanis (2013) "Is Russia Supporting Syria Because It 'Needs The Money?'". Forbes. Available at: [www.forbes.com/sites/markadomanis/2013/09/07/is-russia-supporting-syria-because-it-needs-the-money/print/](http://www.forbes.com/sites/markadomanis/2013/09/07/is-russia-supporting-syria-because-it-needs-the-money/print/).
  25. Mikhail Klimentyev (2013) "Why Putin is backing Assad's blood-soaked Syrian regime". Available at: [http://worldnews.nbcnews.com/\\_news/2013/09/12/20448911-analysis-why-putin-is-backing-assads-blood-soaked-syrian-regime?lite](http://worldnews.nbcnews.com/_news/2013/09/12/20448911-analysis-why-putin-is-backing-assads-blood-soaked-syrian-regime?lite).
  26. Treizman, op., cit.
  27. Richard Weitz, "Why Russia and China Have not Formed an Anti-American Alliance". Naval War College Review, Autumn, Vol. LVI, No. 4, pp. 48- 53, 2003.
  28. Robert Schlesinger (2013) "U.S.-Russia Relations Cool, But Not Cold, Ambassador Says". Available at: [www.usnews.com/opinion/blogs/robert-schlesinger/2013/09/06/russian-ambassador-to-us-says-syria-isnt-triggering-a-new-cold-war\\_print.html](http://www.usnews.com/opinion/blogs/robert-schlesinger/2013/09/06/russian-ambassador-to-us-says-syria-isnt-triggering-a-new-cold-war_print.html).
  29. Richard N. Haass (2013) "Russia's Tactical Triumph Does Not Signify a New Cold War". Available at: <http://www.cfr.org/russian-federation/russias-tactical-triumph-does-not-signify-new-cold-war/p31385#>.
  30. Trenin, op., cit. p. 23.
  31. *Ibid.*, pp.23-25.
  32. Allison, op., cit. p.809.
  33. *Ibid.*, p. 811.
  34. *Ibid.*, p. 806.
  35. Dmitri Trenin, Maria Lipman, Alexey Malashenko (2013) "The End of an Era in EU-Russia Relations". Paper of Carnegie Moscow Center. Available at: [carnegie.ru/2013/05/30/end-of-era-in-eu-russia-relations/g7fw](http://carnegie.ru/2013/05/30/end-of-era-in-eu-russia-relations/g7fw).
  36. Fyodor Lukyanov (2012) "The End of the Post-Soviet Period in Russian Foreign Policy: What is Next?". Center for strategic international studies.
۳۷. علیرغم برخی نگاه‌های بدبینانه نسبت به رویکرد منفعت‌جویانه روسیه به مسائل

بین‌المللی، برخی تحلیلگران ایرانی از گذار روسیه از رفتار فرصت‌طلبانه سخن گفته‌اند. نگاه کنید به: حجت کاظمی (۱۳۹۲) «عبور روس‌ها از سیاست فرصت‌طلبانه». روزنامه تهران امروز ۲۱ شهریور ۱۳۹۲.

۲۸. روزنامه شرق، ۳ شنبه، ۹ مهر ۱۳۹۲، ص ۳.



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۲۸۷

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: اهداف و انگیزه‌های روسیه از ورود فعال به بحران سوریه

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: حیدرعلی مسعودی

ناظر علمی: مهدی امیری

متقاضی: معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی

ویراستار: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی:

۱. روسیه
۲. سیاست خارجی
۳. خلع سلاح شیمیایی
۴. بحران سوریه
۵. مداخله نظامی
۶. کنفرانس ژنو ۲

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۸/۱۲